

وضعیت موجود

با رشد شتابان تورم و خط فقر، گسل طبقاتی و کاهش درآمد سرانه، سطح حقوق معلمان، مزد بگیران و کارگران و حتی درآمد سرانه در کشور، به یک پنجم خط فقر رسیده است، کاهش عظیم تولید صنعتی و خدمات، گسترش ناهنجاری های اجتماعی، بحران ها که خود را بطور روزمره در زندگی اجتماعی مردم و شاخص های کلان اقتصادی - اجتماعی نشان می دهند، حاکی از آنست که حاکمیت سرنوشتی که برای تمامی اقشار و طبقات مردمی در پیش گرفته بعینه در مسیر فروپاشی اجتماعی و خلاف حرکت توسعه علمی، اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی و در تقابل با گسترش مشارکت های اجتماعی - مدنی، دموکراسی و تصمیم سازی در سطوح بدنه شوراها و کارشناسی بوده و تنها دغدغه های الیگارشیک حکومت برای گسترش ایدئولوژی و جهان گشایی و جنگ همه جانبه با کشورهای جهان و گسترش حیطه نفوذ خود را مد نظر دارد. گسترش اعتراضات اجتماعی - اقتصادی و متقابلا سرکوب های مستمر و همه جانبه، انباشت زندان ها از آزادیخواهان و مبارزان مدنی، خواستاران عدالت اجتماعی، زدن دستبند و پابند به حق طلبان اعم از معلمان، وکلا و حقوق دانان و کارگران به اتهام حضور در یک تجمع مسالمت آمیز در مقابل مجلس و یا سازمان مدیریت و برنامه ریزی و محکومیت آنان به زندان و شلاق، همگی نشان از عزم و اراده حاکمان برای حذف هر صدای آزادی خواهانه و عدالت طلبانه، و به زنجیر کشیدن مردم معترض برای طرح مطالبات معیشتی را دارد. در همین حال گسترش نظامی گری و توسعه طلبی نشان از بروز یک فاجعه تاریخی - ملی برای کشور هشتاد میلیونی ماست. حاکمیت که غرق در فساد تاریخی و ناکارآمدی اقتصادی است، می خواهد نظام برتر فقی و الهی - بزعم خود - را به دیگر کشورهای بگستراند در حالیکه در برخی از این کشورها؛ استفاده از تلفن دولتی برای امور شخصی و یا باز کردن یک حساب بانکی بدون اطلاع؛ جرمی نابخشودنی محسوب و مسئولین ناچار به استعفاء می شوند. اعتماد مردمی اساس سازو کار اجتماعی است. حاکمیت می خواهد بزعم خود نظام مطلوب و انقلاب واپسگرای خود، که در یک لجنزار و باتلاق تباهی سیر می کند و با تعداد پرونده ها و جرائم که سالانه بالغ بر ۱۶ میلیون به دستگاه قضایی وارد می شود را به کشورهایایی که برخی زندان های خود را تعطیل و یا اساسا در ۱۴۲ کشور مجازات اعدام لغو و تعطیل شده گسترش دهد. در واقع چیزی جز گسترش و حاکمیت بربریت را مد نظر ندارد.

نیروهای رهائی بخش

سئوال اساسی این است که رسالت تغییر وضعیت و اتخاذ راهبردهای کلان توسعه همه جانبه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، تحقق دموکراسی و عدالت اجتماعی در کشور و قرار گرفتن در مسیر پیشرفت و توسعه یافته که مسیری طولانی است، بعهد کدام اقشار است؟ آیا تجار، که از همان دوران قاجار به تجارت بین المللی - و در تضاد با تولید ملی - پیوند خوردند قادر به انجام چنین امری خواهند بود و یا سرمایه دارانی که به همراه مقامات

دولتی از رانت های بی پایان و بی حقوقی های کارگران بهره می برند به چنین امری اقدام خواهند نمود؟ یا جناحی دیگری از روحانیون که در چارچوب فقه و با اصطلاح فریبکارانه "مردم سالاری دینی" سیر می کنند، چنین رسالتی دارند؟ سیاستمدارانی در گشت و گذار پایتخت های جهان، در عین بهره مندی از مواهب ثروت از دسترنج مردم، با بهره مندی زندگی در کشورهای توسعه یافته، عافیت طلبی زندگی شخصی خود را به هر تلاش و رنجی همراه با مردم ترجیح داده اند. این رسالت را بعهدہ دارند؟ سلطنت که با تمامی دستگاه بورکراتیک و نظامی - پلیسی و امنیتی، حکومت را در سال ۵۷ تحویل "متحد تاریخی خود روحانیون" داد، هم اکنون، بازماندگانش در انتظار تحویل مجدد حکومت از دست روحانیت - متحد تاریخی اشان - و حفظ اساس ساختار استبداد و حفظ سپاه پاسداران برای از جان بدر بردن اساس حکومت انحصار و سرکوب را دارند. با توجه به گسترش تولید دانش محور و گسترش ارتباطات اجتماعی که کاربرد آنها به سطحی مناسب از تجهیز به دانش نیاز دارد، از طرف دیگر رشد و گسترش اتوماسیون و بکارگیری ربات ها و پراکندگی و کوچک شدن تولید و خدمات و پراکندگی طبقه کار و زحمت، با قراردادهای موقت و سفید امضاء و گسترش کارهای پیمانکاری، کم رنگ شدن افق اجتماعی رهائیبخش، منجر به تضعیف طبقه کارگر شده است، لذا معلمین آگاه و متعهد در تمامی مقاطع تحصیلی تا دانشگاهها به همراه حقوق دانان، محققین مردمی در علوم اجتماعی و اقتصادی و پیشروان فکری طبقات کارگر و زحمتکش قادر به تحول و توسعه واقعی و همه جانبه پارادیم های اندیشه، روابط اجتماعی، روابط انسان ها و زیر ساخت ها و صنعت و خدمات اجتماعی و قرار گرفتن کشورمان در مسیر پیشرفت و توسعه جهانی را خواهند داشت. مسیر توسعه نیز بالخص در مراحل اولیه نمی تواند فراتر از راهکارهای شناخته و تجربه شده کشورهای توسعه یافته تدوین، و به پیش برده شود. معلمان بجهت اهمیت جایگاهشان و حساسیت رژیم، هم اکنون بیشترین تعداد دستگیری، زندانی و تبعید را در میان دیگر اقشار دارند. دانشجویان نیز علی رغم دارا بودن ویژگی های مشترکی با معلمان در بهره مندی از علوم و ارتباطات اجتماعی، دارای نقاط افتراق، وضعیت ناپیوسته و سیالی هستند، که قادر به ایفای نقش پایدار و مستمر و همبسته را ندارند. سنین این دوران، وابستگی آحاد به طبقات مختلف، دغدغه و مسائل متفاوت فردی و قشری، گذرا بودن دوران دانشجویی و پیوستن به اقشار و طبقات مختلف و متضاد پس از اتمام تحصیل، فقدان الزام تأمین مستقیم زندگی، باعث شده که عموماً بصورت کمک کار جنبش های اجتماعی - اقتصادی بوده و کمتر نقش قاطع کامل کننده ای دارند. جبران عقب ماندگی و توسعه نیافتگی مفرط تاریخی و اجتماعی - اقتصادی را نیز نمی توان از مسیر های ذهنیت گرایی فردی - فرقه ای ایدئولوژیک، آرمان گرایی و تخیلات و راه حل های ابداعی غیر علمی، بی پایه و فناتیک "دینی و غیر دینی" محقق کرد. در واقع «نمی بایست و نمی توان چرخ را از نو اختراع کرد» جمع تجربیات و دستاوردها با هر درجه ای از موفقیت، نسبت به راه حل های تجربه نشده و یا شکست خورده مسلماً ارجحیت خواهند داشت. راه حل ها، راهکارها و مسیر های کشورهای پیشرفته نیز در سطوح بالاتری دارای نواقصی است اما این قابلیت را دارند که بخش هایی از ضعف ها را تا مراحل ترمیم و تا حدود زیادی به توسعه پایدار و تثبیت شده دست یابند، هر چند ذات سود محوری سرمایه خود جهت گیری بحران زایی دائمی دارد. انتظار طرح راهکار مشارکت اجتماعی و توسعه از برخی عناصر با دانش علمی محدود و ادعاهای جهانشمول، که نظریه پردازی انحصاری و مطلق گرا طرح می کنند. در حالی که حتی تاب تحمل دگراندیشان در گروه و فرقه انحصاری

خود را نداشته، تمام حقایق جهان هستی و اجتماعی را انحصاراً در دستان خود پنداشته، اما راه نفی و سرکوب را برای پیشبرد نظرات شخصی و سلیقه ای بکار می برند، مسلماً راهی بسوی قهقراست. اشتباهات یکصد و سی سال مبارزات آزادی خواهانه و عدالت طلبانه تاریخ ما از مشروطه تا کنون که با تنگ نظری و انحصاری گرای گسترده در بین جناح ها، گروهها و احزاب بخصوص در سال های ۵۵ تا ۶۰ همراه بوده، نمی بایست مجدداً تکرار شده و در نتیجه آن قدرت و حاکمیت از دست مردم ربوده شده و در دست دشمنان مردم قرار گیرد. معلمین و اندیشمندان با حمل پرچم تحول از دوران میرزا حسن رشدیه، سعادت، دواچی، ملک المتکلمین و صدها شاعر و نویسنده مردمی، رسالت نو اندیشی خود را انجام داده اند. وقتی فرخی یزدی که زمانی سروده بود: «آن زمان که بنهادم سر به پای آزادی/ دست خود ز جان شستم از برای آزادی» دهانش دوخته شد و در نهایت در ۲۵ مهرماه ۱۳۱۸ با تزریق آمپول هوا توسط پزشک احمدی در زندان رضا شاه کشته شد امیرمختار کریم پور شیرازی شاعر، روزنامه نگار و فعال سیاسی هوادار ملی شدن صنعت نفت ایران، پس از کودتای ۲۸ مرداد دستگیر و پس از مدتها شکنجه توسط اشرف پهلوی به آتش کشیده و در ۲۴ اسفند ۱۳۳۲ در زندان دژبان مرکز ارتش جان باخت. صمد بهرنگی معلم تحول خواه در رود ارس غرق شد، تا اعدام محمد حنیف نژاد معلم بزرگ با آموزه های تحول ساز در میدان تیر چینگر و اعدام معلم مبارز بهروز دهقانی و پویان در تپه های اوین و فرزاد کمانگر (با یک اتهام ناجوانمردانه و بی پایه) در نهایت نامردمی به جرمی که صادر کنندگان حکم می دانستند به دروغ و ریا حکم صادر می کنند بر دار رفت، قتل های زنجیره ای مختاری و پوینده ها، مجید شریف و قتل معلم وارسته هدی صابر در زندان، به اسارت کشیدن حقوق دانان برجسته از جمله عبدالفتاح سلطانی و صدها اندیشمند و آزاده در قتل عام زندانیان، که ذکر نام آنها ممکن نیست، راهی طولانی است که طی شده و یا در حال گذار است. اما پرچم تحول خواهی از دست پیشگامان آزادیخواهان، پیشروان فکری و اندیشه و معلمان و پیشروان طبقه زحمتکش از دست نیفتاد، هر چند با فراز و نشیب های زیادی همراه بوده است. اما تا انسان هست و تا بی عدالتی هست، تلاش برای رهائی از استبداد، خودکامگی و انحصار و برای استقرار عدالت اجتماعی، آزادی، دموکراسی، مشارکت اجتماعی و نظام شورائی که همگی بر اساس حرمت و جایگاه حقوق انسانی و رشد و تعالی آن قرار دارند، تداوم خواهد یافت.

سطح حقوق و رفاه معلمان در ایران

برای توسعه با محوریت خلاقیت و آزادی انسانی در ایجاد ثروت مادی و معنوی و تحولات گسترده در جامعه، هیچ راهکاری جز ایجاد انگیزه تحول خواهانه در کارکنان آموزش و پرورش، متصور نیست. لذا توجه به تأمین بهداشت روان معلمان و معیشت آنان از اولویت خاصی برخوردار است. شاخص ارتقاء و توسعه منابع انسانی بجهت اهمیت آن در توسعه کشورها همه ساله اندازه گیری و منتشر می شود. جدول حقوق کارکنان آموزش و پرورش نسبت به ۱۷ وزارتخانه دستگاههای اجرایی نشان از آخرین رتبه (۱۷) را نشان می دهد. (۱) جدول مقایسه ای نشان می دهد که میانگین پرداخت به کارکنان آموزش و پرورش ۲۷٪ نسبت به میانگین

(۱) مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی «همسنگی حقوق و دستمز معلمان با بعضی از دستگاه ها و کشورهای جهان»

کشوری کمتر است. در همان سال (۱۳۷۴) میانگین حقوق و مزایای دریافتی کارکنان آموزش و پرورش نسبت به حقوق و مزایای شرکتهای دولتی و بانکها ۵۷/۷ درصد بود. (۴۲/۳ درصد کمتر از حقوق و مزایای بانکها) و نیز ۴۱ درصد حقوق و مزایای بخش صنعت بوده است. به بیان دیگر قدرت خرید یک نفر از کارمندان بخش صنعت ۲/۵ برابر یک نفر کارمند آموزش و پرورش بوده است.

بررسی ها نشان میدهد که حقوق و مزایای کارکنان، به ویژه معلمان در کشورهای توسعه یافته نسبت به حقوق و مزایای کارکنان در بخش صنعت این کشورها بدین شرح است.

جدول ۲-مقایسه حقوق و مزایای معلمان با کارکنان بخش صنعت در ایران و دیگر کشور

کشورها	نسبت حقوق معلم به حقوق در بخش صنعت
ایران	(۴۱)
انگلستان	۱۱۴/۱۳
کانادا	۱۹۲/۱۶
ژاپن	۱۸۵/۵
هلند	۱۷۶/۹۶
نروژ	۱۷۸/۲۳
سوئد	۱۸۲
استرالیا	۶۸/۷۵

ملاحظه میشود که حقوق و مزایای معلمان در تمامی کشورهای توسعه یافته غیر از استرالیا بیشتر از حقوق و مزایای کارکنان بخش صنعت بوده است، حتی میزان آن در بعضی از کشورها (در ژاپن) به ۱۸۵/۵ درصد میرسد، به عبارت بهتر قدرت خرید معلم ژاپن حدود ۴/۵ برابر معلمان ایران است. (توضیح آنکه این محاسبه توسط مرکز پژوهش های مجلس در سال ۷۴ بوده و وضعیت امروز بمراتب اسفبار تر است). در کشورهای مختلف علاوه بر تخصیص حقوق و مزایای بهتر برای معلمان، امتیازات ویژه ای نیز به آنان منظور میشود از آن جمله در: ژاپن کمکهای غیرنقدی (بُن) در سال سه بار، که در کل ۱۵ برابر حقوق ماهانه معلم است، پرداخت میگردد. در بحرین علاوه بر اینکه معلمان از حقوق مکفی و مسافرتها خارجی در صورت نیاز برخوردار هستند به هر کدام از معلمان بعد از مدتی خدمت که قانون آن را معین میکند، یک قطعه زمین (حدود ۲۰۰ متر) تحویل میشود. معلمان لوکزامبورگی با اختلاف زیاد به نسبت سایر کشورها بالاترین حقوق دریافتی را دارند و معلمان استونیایی کمترین حقوق را در دنیا میگیرند اما ایرانی ها در کجای قرار دارند؟! به گزارش تجارت آنلاین از هافینگتون پست، برخی از معلمان در لوکزامبورگ سالانه ۱۳۸۰۰۰ دلار درآمد دارند، در این کشور حداقل حقوق پایه معلمان سالانه ۷۹۰۰۰ دلار است که بیش از حقوق پایه معلمان در هر کشور دیگریست. معلمان در لوکزامبورگ به طور متوسط ۳۰ درصد از بیش از هر کشور دیگری در جهان درآمد دارند.

از طرف دیگر معلمان استونی در انتهای جدول قرار دارند و حداکثر درآمد آن‌ها در سال به ۱۷۰۰۰ دلار در سال می‌رسد. یعنی با قیمت هر دلار ۱۲۰۰۰ تومان امروز هر معلم استونیایی بیش از ۲۰۴ میلیون تومان در سال درآمد دارد. این در حالی است که در ایران اگر حداکثر حقوق ماهانه یک معلم را براساس اظهار نظر وزیر آموزش و پرورش در سال گذشته ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان در نظر بگیریم معلمان ایرانی سالانه کمی بیش از ۳۲ میلیون تومان حقوق می‌گیرند. این میزان حقوق با احتساب دلار ۱۲۰۰۰ تومان کمی بیش از ۲۶۷۰ دلار می‌شود نتیجتاً معلمان ایرانی را فقط با ۱۵٪ دریافتی معلمان استونیایی با فاصله بسیار در رده آخر قرار می‌دهد! جالب اینجاست که این میزان حداکثر دریافتی معلمان ایرانی اعلام شده است و بیشتر فرهنگیان در ایران آنگونه که اعلام شده است کمتر از دو میلیون تومان در ماه دریافتی دارند.

در آلمان و دانمارک حقوق پایه‌ای نزدیک به حداکثر درآمد دارند، در حالی که معلمان در کانادا، آمریکا و نیوزلند در اواسط دوران خدمت خود حداکثر حقوق را دریافت می‌کنند و بعد از ۱۵ سال خدمت به این سطح می‌رسند. پس از لوکزامبورگ، معلمان کره جنوبی، اتریش، آلمان و کانادا بالاترین حقوق دریافتی را دارند و معلمان ترکیه، کلمبیا، لهستان، جمهوری چک، مجارستان، اسلواکی و استونی که در ماه چیزی حدود ۶ میلیون تومان حقوق می‌گیرند کمترین حقوق را دارند که البته حقوقشان چند برابر حقوق معلمان ایرانی است! (منبع: تجارت آنلاین - کانون صنفی_معلمان)

رفاه اجتماعی خانوارهای شهری طی سالهای متمادی، مستمر و به طور چشمگیری کاهش یافته است و ساختار مخارج نیز دگرگون شده است. با در نظر گرفتن خط فقر در حد شش ملیون تومان، همه معلمان در زیر خط فقر قرار دارند. معلمان در تأمین معیشت و هزینه های غذایی و خوراکی خود صرفه جویی نموده اند؛ البته صرفه جویی غیرمنطقی در مصرفی مواد غذایی لازم و ضروری، عواقب ناگواری به بار می‌آورد؛ از جمله: توانایی جسمانی خانواده معلم را کاهش میدهد؛ بینایی افراد خانواده آنان را مختل می‌سازد و باعث پیری زودرس و بیماری های خاص می‌شود و میزان یاد گیری آنان کاهش می‌یابد. ضروری است که هر سالانه هزینه سنجی مجدد بعمل آمده و متناسب با وضعیت اقتصادی میانگین جدیدی برای دستمزد معلم پیش بینی و تصویب گردد. واضح است محور این افزایش موارد ذیل را می‌بایست لحاظ نماید:

- رسالت معلم در توسعه اجتماعی - اقتصادی جامعه و توسعه درجه آزادی و منابع انسانی
- گسترش فضای دموکراسی و آزادی ها و نقد در مدارس و انتخابی شدن مسئولین برای تحقق توسعه
- بهداشت روانی معلم، خانواده، معلم و مدرسه
- تأمین حقوق و مزایایی بالاتر از خط فقر و در محدوده خط رفاه اجتماعی
- نهادهای اجتماعی مورد نیاز معلم در جامعه
- مسکن معلم
- تأمین منابع برای اوقات فراغت معلم و توسعه گردشگری - آموزشی

جدول میزان حقوق معلمان و مقایسه با خط فقر و درآمد سرانه ماهیانه

درآمد سرانه ماهیانه	حقوق نسبت به خط فقر	خط فقر	عنوان شغلی	دریافتی (دلار)	ایران
۸۹	٪۱۸	۴۵۰	آموزگار ابتدایی	۷۷	
	٪۲۰		دبیر متوسطه	۸۷	
	٪۱۹		متوسط حقوق معلمان	۸۲	
	٪۳۶		بخش صنعت	۱۶۳	
			نسبت متوسط حقوق معلمان به بخش صنعت	٪۵۰/۵	

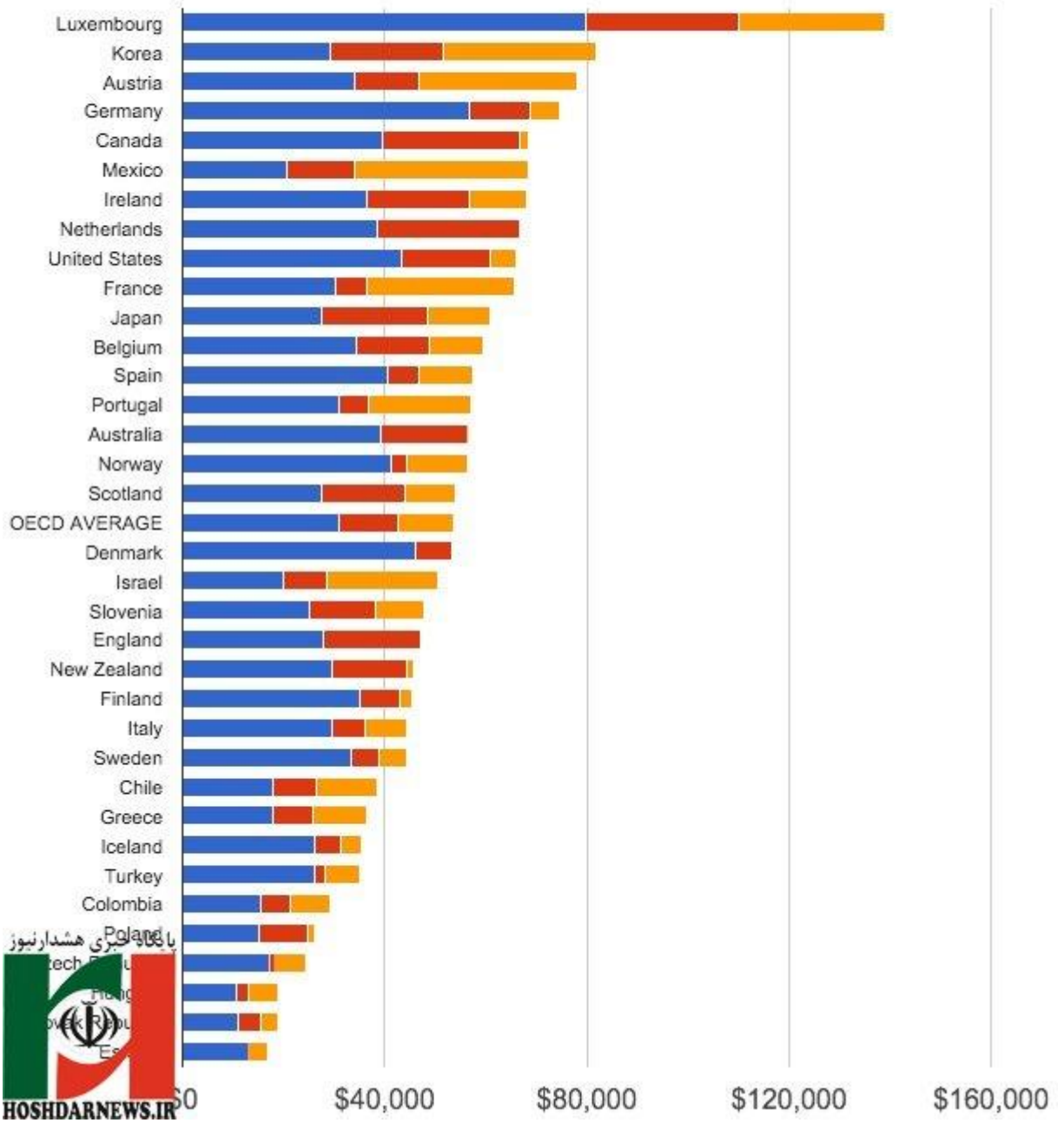
کشور	ایران	ترکیه	فنلاند	قطر	کره جنوبی	آمریکا	بریتانیا
درآمد سالانه به دلار	2700 (1)	25000	38000	36000	50000	50000	45000
شاخص قیمت مصرف کننده	79 (2)	64	106	82	80	80	102

(1) هر دلار 12000 تومان در نظر گرفته شده است.

(2) شاخص قیمت مصرف کننده که 57 در جدول ذکر شده با لحاظ تورم اخیر 40٪ در نظر گرفته شده است

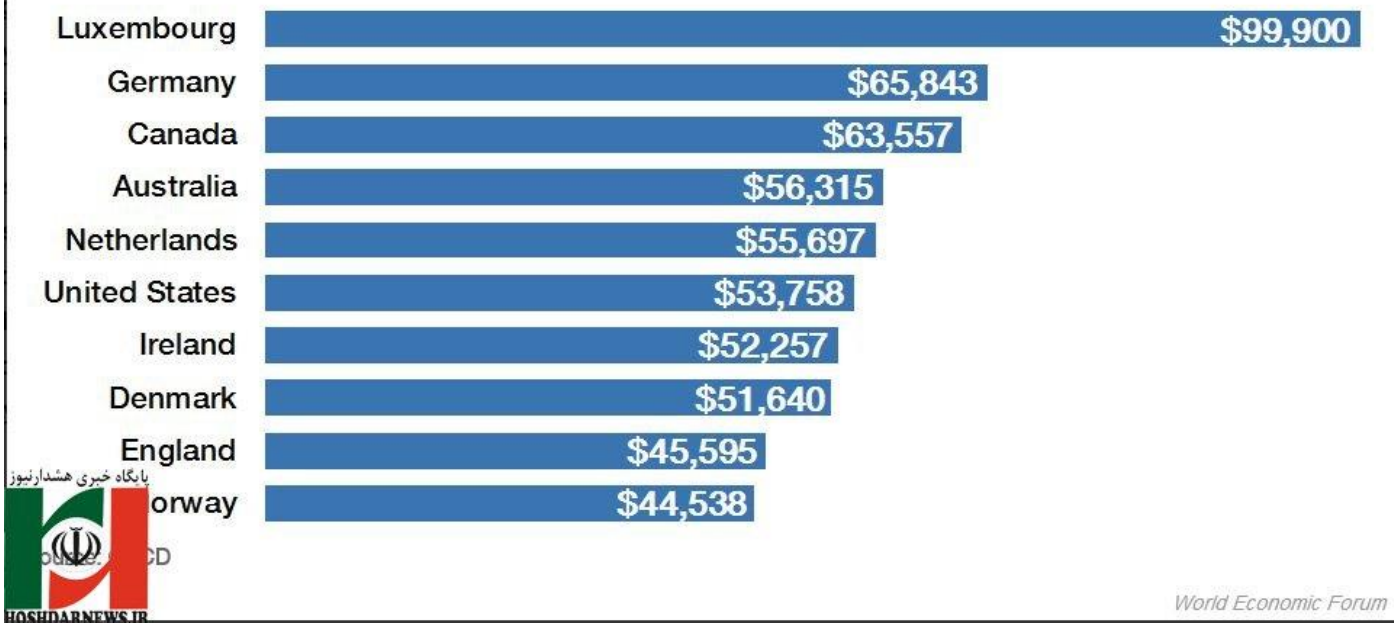
Lower Secondary Teacher Statutory Salaries Around the World

Starting salary Salary after 15 years experience Top of scale salary



Where do teachers earn the most?

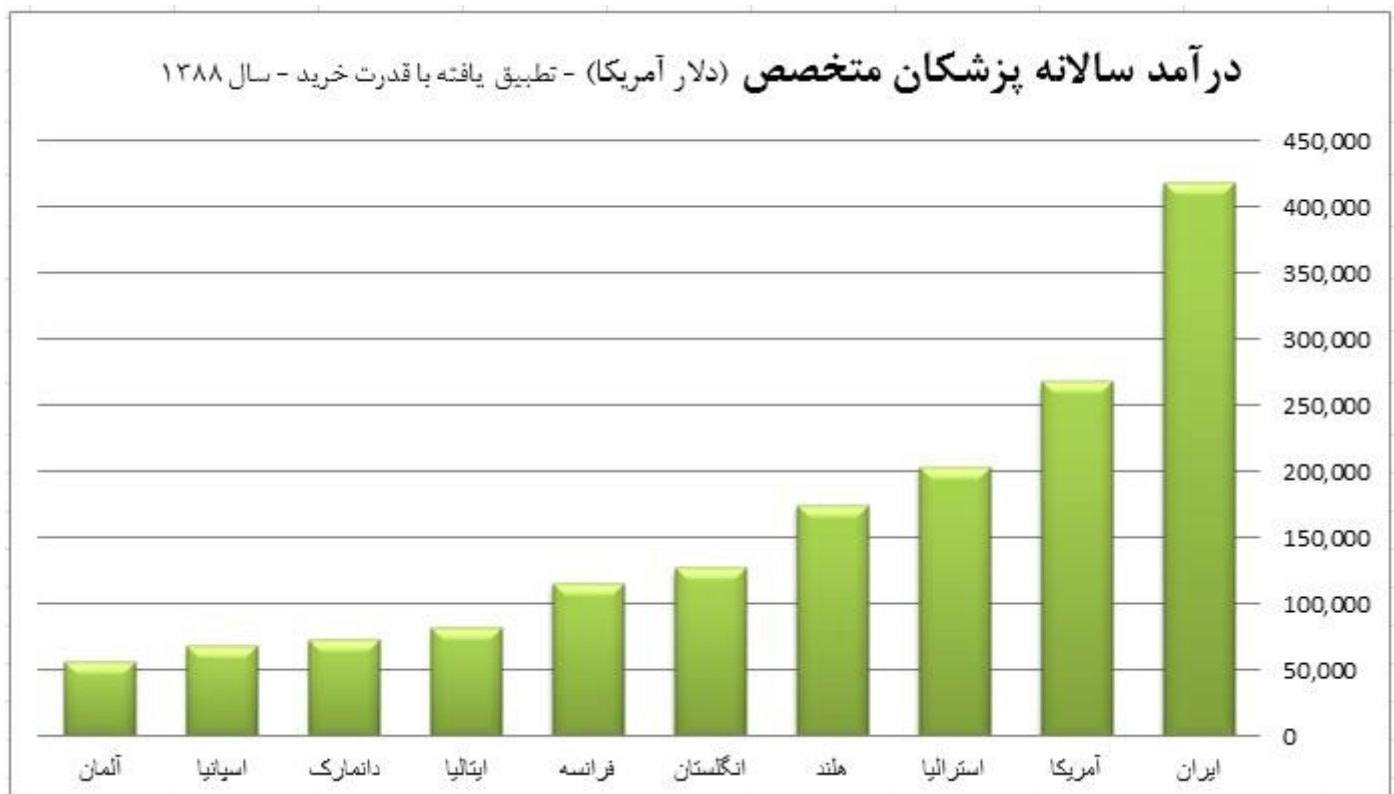
Annual salary (US \$) of lower secondary school teachers with 10 years experience, 2013.



World Economic Forum

(همانطور که گفته شد در وضعیت کنونی درآمد سالیانه معلمان در ایران 2700 دلار است.)

بلحاظ فقدان آمار مشخص و شفاف مقایسه میزان حقوق معلمان با مقامات حکومتی و دولتی، بانکداران، رانت خواران، بنگاههای بزرگ یا انحصاری تولیدی و خدماتی، واردات و صادر کنندگان، بازارهای مختلف ارز، طلا، سوداگران زمین و ساختمان، اختلاس کنندگان در دست نیست. یکی از اقشار ثروتمند اجتماعی پزشکان هستند که جدول مقایسه ای درآمد آنان در کشورهای مختلف در زیر می آید:



طبق مصاحبه آقای مسعود نیلی مشاور اقتصادی رئیس جمهور در مورخ ۹۶/۰۹/۱۳ درآمد سرانه ایرانیان به ۷۰٪ سال ۱۳۵۵ رسیده است. او این جمله را در یک سخنرانی با عنوان «ضرورت شکل‌گیری گفت‌وگوی ملی پیرامون حل مشکلات آینده کشور به بهانه چشم‌انداز رشد اقتصادی سال ۱۳۹۶» در اتاق بازرگانی ایران مطرح کرده است. هم‌اکنون ۸۰ درصد مردم ایران زیر خط فقر هستند.

الزامات زیر ساخت تشکل‌ها جهت تحولات اجتماعی

همانند تحول در ساختارهای علم و دانش، ارتباطات و تولید، زیر ساخت‌های جوامع امروزی تحولات بسیار عمیقی صورت پذیرفته، روش‌ها شیوه‌های تحولات اجتماعی - اقتصادی روش‌های تصمیم‌گیری و مشارکت و نحوه استقرار دموکراسی و آزادی، شیوه‌های سازمان‌یابی نیز تحولات عمیقی کسب کرده است. روش سازماندهی‌های سنتی تا کنونی، که از بالا به پایین و تشکیل هسته‌ها، مرکزیت و محوریت سازمان‌یابی است. نحوه پیشبرد مبارزه عبارت از این بوده که عناصر پیشرو در یک فاصله فکری و یا ارتفاع مُشرف بر جمعیت به طرح راهکار و ارائه رهنمود می‌پردازند، اما این روشها امروزه دورانش منقضی شده است. مسلماً با وسایل ارتباط جمعی پیچیده و گسترده‌ای که هرکس میکروفن‌های امکان کسب جاسوسی را با تلفن همراه و لب‌تاپ و تبلت و ... با خود حمل کرده و یا میکروفیلم‌های بسیار پیشرفته و شنود از راه دور و امکان رؤیت و تجسس از طریق ماهواره‌ها امکانپذیر می‌باشد، کشف مرکزیت یک جریان کار دشواری نبوه و پیشروان در سطحی متفاوت مورد شناسائی قرار می‌گیرند.

لذا آگاهی اجتماعی، همبستگی و افزایش توان طبقاتی و راهکارهای مبارزاتی می‌بایست از درون جوشیده و تمامی عناصر یک طبقه، طیف و صنف را در بر گیرد. محور تحول عبارتست از «خلق، به اشتراک‌گذاری و نگهداری و توسعه آگاهی‌ها در مفاهیم، راهکارهای سازمان‌یابی، روش‌ها و مدل‌های تحول» در اعماق و صفوف یک صنف و طبقه است. در این نوع کسب‌بینش و دیدگاه‌های مشترک برای حرکت و تحول، پایه‌ای است که طبقات حاکم اساساً قادر سرکوب نیستند. تنها یک راه برای حاکمیت سرکوبگر می‌ماند که کل طبقه را محو کند و در اینصورت در واقع خودش که بر اساس نظام طبقاتی برقرار و از آن تغذیه می‌کند نیز محو خواهد شد. یک فرد یا مرکزیت نیست که آگاهی خلق و منتشر می‌کند بلکه تمامی عناصر طبقه است که چنین اقدامی کرده و آگاهی را خلق، به اشتراک گذاشته، منتشر و نگهداری می‌کنند. در اینصورت با توجه به اینکه سمت حرکت هستی اجتماعی و تاریخ نیز در کلیت خود - نه تمامی مقاطع - در جهت توسعه و تطور است، دستیابی به تحول و ایجاد جامعه‌ای نوین و آزاد همراه دموکراسی و عدالت اجتماعی امکانپذیر خواهد بود. پیشروان فکری در روش "از بالا به پایین" در هر لحظه در خارج از توده‌ها و طبقات قرار گرفته، در حالی که طبقه هنوز خود به خود آگاهی و انسجام نرسیده پیشروان بیرون از جمع و در معرض ضربات طبقات ارتجاعی و سرکوبگر قرار می‌گیرند. زیر ضرب گرفتن و حذف پیشروان فکری معلمان از جمله صمد بهرنگی، هدی صابر و فرزاد کمانگر و صدها مورد از آن در دورانی که ارتباطات اجتماعی به گسترش و عمق امروزی نرسیده بود، و برای هر اندیشه

می بایست هزینه پرداخت کرد، تا حدود زیادی امری اجتناب ناگزیر بود، اما ویژگی های آگاهی ها و ارتباطات در جهان امروز با تحولات عمیقی مواجه شده است. شروع کننده اعتصاب کامیونداران کدام بخش یا مرکزیت ثابت بود؟ مقاومت اعتراضی سراسری دی ماه ۹۶ از کجا شروع و بوسیله چه افرادی رهبری شد؟ شاید طرح این سئوال ها بی مورد باشد تا چه رسد به شناخت استراتژی ها و پیشروان این حرکت ها، زیرا از اعماق جوشید. مطابق روش پیشرفت ساختار علم و دانش و فن که امروز یک فرد یا گروهی در مرکز اختراع و اکتشاف قرار دارند و فردا، فرد و جمعی دیگر از نقطه ای دیگر از جوامع، اختراعات و اکتشافات گروه قبل را تکمیل کرده ارباب تکامل دانش را به پیش می برد. در تصمیم گیری حرکت های اجتماعی نیز ایده و اندیشه حرکت در یک بخش از طبقه نشو و نما کرده و رشد می کند. در این حالت عناصر و کمیته مرکزی که بطور مادام العمر چنان رسالتی را به پیش ببرد وجود ندارد. تصمیمات، حرکت ها پیشروی ها هر لحظه از جایی شروع و در کل جامعه حرکت و تحول ایجاد می کنند. موج ها در هر لحظه اثر هم افزایی بر هم دارند. لذا در حرکت علم محور، طبقات سرکوبگر و ضد تحول و آزادی نمی توانند با شکار و گروگان گیری عناصر و گروه های پیشرو، جنبش را با موانع مواجه و یا آنرا به ناکامی بکشاند. در مورد فرزند کمانگر، سیستم جنایتکارانی که برای وی حکم اعدام صادر کرد، به بطلان اتهام وی، آگاهی و وقوف کامل داشتند، اما برای سرکوب جنبش معلمان به چنان اعدامی نیاز داشتند. محمد حبیبی امروزه تنها یک گروگان برای سرکوب مطالبات حق طلبانه، سطح حقوق معلمان و آزادی و دموکراسی اجتماعی است، چرا صدها نفر در یک تجمع مسالمت آمیز شرکت می کنند، تنها یکی را به شکنجه گاه برده و تلاش برای درهم شکستن وی را دارند؟ دستگیری وی در کنار تجمع، به بهانه واهی و بی ارتباط با جرم و یا اتهام - در حالی که جرمی بوقوع نپیوسته بود - و تنها برای سرکوب مطالبات معلمان و ممانعت از کسب و دستیابی به معیشت در محدوده استانداردهای جهانی، آزادی، مشارکت و دموکراسی محیط آموزش و کسب جایگاه واقعی معلم در جهان امروز است. چنانچه عده زیادی از دستگیر شدگان در همان روز آزاد شدند. اگر حرکت و آگاهی از درون جوشیده و در سطح جاری شود، حاکمیت از گروگان گیری و لذا توان سرکوب و تداوم خفقان، خلع سلاح خواهد شد.

همانطور که توسعه، تحول و تطور، استقرار و نهادینه کردن حقوق انسان، آزادی و دموکراسی و عدالت اجتماعی، توسعه تولید، علم و خدمات یک امر جمعی و همگانی و مربوط به عامه مردم است، پیشبرد چنین مبارزه ای نیز امری جمعی و بر عهده آحاد عناصر، اقشار و طبقه اجتماعی قرار دارد. حرکت کل عناصر جامعه در تمامی ابعاد طبقات تلاشگر و زحمتکش در حوزه علم و عمل و تولید برای تحول از وضعیت کنونی لازمه پیشرفت همه جانبه و گذار از وضعیت جهانی اسارت بار در دست مشتی انگل جامعه که از قیل دسترنج و زحمت و ثروت جامعه ارتزاق و در واقع غارت می کنند و خلاصی از وضعیت نابسامان موجود است و در این میان معلمان کشور که پتانسیل سراسری در کشور، همگن و یکدست در سطح معیشت و همگام با دیگر پیشروان زحمتکشان و توان استفاده از علم روز و بهره مندی از وسایل ارتباط جمعی جایگاه محوری و کلیدی کسب می کنند. روشنگران و پیشروان طبقات زحمتکش با محوریت تشکل سراسری و یکپارچه معلمان، هسته های تحول و جرقه های آگاهی و آزادیبخش برای استقرار عدالت اجتماعی شکل می گیرند.

معلمین

- گستردگی همبسته در سراسر کشور، ویژگی ها و پتانسیل حرکت را بصورت بالقوه در خود دارند.
- ظرفیت کسب چارچوب های علمی و منطقی حرکت اجتماعی و تاریخی و خلق دانش و آگاهی را بهتر و بیشتر از اقشار دیگر با خود حمل می کنند.
- در حد مکفی، امکان استفاده از ظرفیت وسیع وسایل ارتباطات جمعی و فضای مجازی را در حرکت ها و خلاقیت های خود دارند
- گستردگی آگاهی در بخش های مختلف، جوشش و رشد آگاهی در تمامی ابعاد طیف معلمان وجود دارد.
- در مبارزه برای افزایش سطح حقوق، معیشت، رفاه و درمان، از حیثیت و جایگاه انسانی خود و فرزندانشان و نسل های آتی دفاع می کنند.
- در مبارزه خود برای عمومی کردن آموزش و گسترش آگاهی در بین تمامی طبقات دفاع می کنند.
- به گسترش مبارزه دیگر طبقات و اقشار در کسب حقوق انسانی، آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی مبادرت می کنند.
- در اتحاد با دیگر اقشار اعم از پیشروان و روشنگران فکری و علمی، وکلاء و حقوق دانان، مدرسین دانشگاهها، پیشروان آگاه طبقات کار و زحمت به پایه رشد مبارزات، گسترش آزادی، عدالت اجتماعی تحقق و نهادینه شدن دستاوردهای اجتماعی و اساس حرکت رهائیبخش قرار می گیرند.

۱۵ شهریور ۹۷

ناهدید قادر معلم بازنشسته